

تحلیل اخلاقی - فقهی آثار باروری پس از مرگ

احسان علی اکبری بابوکانی^{۱*}، امین امیرحسینی^۲

تاریخ دریافت: 98/2/14

تاریخ پذیرش: 98/10/21

تاریخ انتشار: 98/12/25

دیدگاه

چکیده

یکی از مسائلی که امروزه در نظام اخلاقی و فقه امامیه از مسائل مستحدثه به شمار می رود، باروری پس از مرگ است که اگر بتوان آن را با استناد به اطلاق و عموم ادله‌ی مشروعیت تلقیح مصنوعی مشروع دانست، آثار بسیاری را به دنبال دارد. این موضوع از جمله موضوعات اختلافی بین فقها و علمای اخلاق محسوب می شود. بدین منظور، با بررسی ادله‌ی موجود و با رویکردی اخلاقی به موضوع مزبور، می توان باروری پس از مرگ را مشروع دانست؛ از این رو، در مقاله‌ی حاضر با مبنای مشروعیت این باروری، به بررسی آثار آن می پردازیم. هرچند زوایای این روش از منظر علم پزشکی واکاوی شده و با ابهام و ایراد اساسی مواجه نیست، از نقطه نظر اخلاقی و فقهی با پیچیدگی‌ها و ابهاماتی روبه‌روست که نیازمند پاسخ‌گویی مناسب با توجه به مقتضیات فعلی جوامع بشری است؛ لذا موضع مزبور، از حیث کاربردی نیز مقوله‌ای شایان توجه است. طبعاً از آنجایی که علم فقه عهده‌دار برقراری نظم عمومی و سامان‌دادن به مناسبات خصوصی افراد است، پردازش علمی موضوع مذکور ضروری به نظر می رسد. در این پژوهش، به تبیین رویکرد اخلاق حسنه و فقه امامیه به آثار باروری پس از مرگ نظیر مالکیت بر گامت بر اساس عنصر رضایت (صریح یا ضمنی)، حضانت (مبتنی بر اصول هم بستگی خانوادگی و رعایت مصالح طفل) و وصیت (اعلام رضایت و وصیت تملیکی گامت منجمدشده از سوی صاحب گامت) می پردازیم.

واژگان کلیدی: اخلاق، باروری پس از مرگ، حضانت، رضایت، مالکیت بر گامت

۱. استادیار فقه و حقوق دانشکده‌ی اهل بیت (ع)، دانشکده‌ی الهیات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران، ایران.

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه: اصفهان، میدان آزادی، دانشگاه اصفهان، تلفن: ۰۹۱۳۶۵۵۹۰۵۲.

مقدمه

علم اخلاق در دنیا سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و عمیق‌ترین نفوذ را در حوزه‌ی رفتاری بشر دارد و به یک سؤال اساسی پاسخ می‌دهد که چه باید انجام دهیم؟ (۱). علم اخلاق به علت جهان شمول بودن و رویکردی که به حل مسائل در حوزه‌ی عمل انسان داشته (۲) کاربردی بسیار وسیع در تمامی ابعاد حیات بشری دارد (۳و۴).

در باب رابطه‌ی فقه و اخلاق نیز باید اذعان داشت که پیوستگی بسیاری میان این دو حوزه وجود دارد و اکثر قوانین متضمن حفظ ارزش‌های اخلاقی در جامعه هستند (۵-۷)؛ به علاوه آنکه اصول اخلاق پزشکی به‌کاررفته برای همه‌ی افراد، نظیر سودرسانی و ضرر نرساندن از اصول مطابق با حقوق بشر مشتق شده‌اند (۸-۱۱).

همه‌ی کشورها از جمله ایران، سلامت باروری را به‌عنوان جزء اصلی سلامت جامعه پذیرفته‌اند. در طول دهه‌های اخیر، نوآوری‌های جدید در عرصه‌ی باروری شاهد پیشرفت‌های زیادی بوده که به‌تبع خود مسائل و ابهامات متعددی را در عرصه‌های مختلف فقهی و اخلاقی به همراه آورده است (۱۲) که در جای خود مستلزم بررسی‌های دقیق علمای حقوق و اخلاق است تا ضمن پاسخ‌گویی مناسب به این مسأله، مسیر تقنینی جامع و مانع آن، تمهید و تسهیل شود.

پیش از این، فاصله‌ی زمانی میان مرگ والدین و تولد نوزاد باید کمتر از یک سال می‌بود؛ اما امروزه این امکان فراهم شده است که سال‌ها پس از مرگ یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها با استفاده از گامت یا جنین منجمدشده، کودکی متولد شود. این امر ذیل عنوان «باروری پس از مرگ» شناخته می‌شود.

باروری پس از مرگ موجب بروز پرسش‌های گوناگون حقوقی و فقهی و اخلاقی در خصوص رضایت، مالکیت بر گامت، نسب، ارث و نظیر آن شده که ضرورت ارائه‌ی

تحلیل‌های روشن و سازگار اخلاقی، از یک سو و اصلاح و تغییر قوانین موجود یا وضع قوانین جدید در زمینه‌های مربوط را از سوی دیگر، به میان آورده است. حال سؤال اساسی آن است که در حوزه‌های مختلف و آثار متعدد موجود در باروری پس از مرگ، آیا اخلاق تأمین و تضمین می‌شود؟ به همین منظور، به تبیین جنبه‌های مختلف تضمین اخلاق در باروری پس از مرگ پرداخته خواهد شد.

روش کار

برای بررسی و تحلیل موضوع، از روش توصیفی تحلیلی بهره گرفته و به بررسی و مذاقه در نظریات و آرای تفسیری مفسران و نظریات حقوقدانان پرداخته شد؛ همچنین برای نیل به این مقصود، از جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای نیز استفاده شد.

یافته‌ها

خانواده و حقوق خانواده در اسلام بخشی مهم از احکام و اخلاق را تشکیل می‌دهد (۱۳و۱۴) و با توجهی درخور تشریح الهی، همه‌ی جوانب و زوایای آن مورد لحاظ شارع مقدس قرار گرفته است. اهمیت تاریخی و جاویدان اصول و قواعد خانواده در مجموعه تعالیم اسلامی به حدی است که علی‌رغم نهضت لجام‌گسیخته‌ی تجدد و تجدیدنظرطلبی در عصر حاضر، احکام و موازین اسلامی عمدتاً از گزند حوادث دوران شیفتگی و خودباختگی فرهنگی بیش از حد متجددین و غرب‌زدگان معاصر، مصون و محفوظ مانده است (۱۵).

مسأله‌ی باروری پس از مرگ، قطعاً از این جهت که فرزند نقش محوری را در خانواده داراست، اهمیتی مضاعف می‌یابد. در کشور ما نیز تاکنون کودکان بسیاری از این طریق پا به عرصه‌ی هستی نهاده‌اند. این روش چالش‌های اخلاقی و حقوقی متعددی را ایجاد کرده؛ اما تاکنون پاسخ مناسب و درخوری به این پرسش‌ها داده نشده است. آنچه اهمیت این مسأله را دوچندان می‌کند، تلاش برای حفظ کرامت ذاتی

احقاق حق دیگران؛ با این وصف، ادعای آنان که اهتمام دارند تا میان حق و تکلیف تعارض و تباینی ایجاد کنند یا تکلیف قانونی را از اخلاقی تفکیک نموده تا این تعارض را موجه جلوه دهند، بدون دلیل خواهد بود. احکام و تکالیف اخلاقی از این جهت با تکالیف قانونی تفاوتی ندارد؛ زیرا در مباحث اخلاقی مثلاً وقتی گفته می‌شود احترام به دیگران نوعی تکلیف اخلاقی است این تکلیف به جهت حق شرافت و کرامتی است که افراد در جامعه دارند (۱۹).

بحث

در این بخش به تبیین دقیق مالکیت بر گامت و حضانت و وصیت پرداخته می‌شود:

الف. مالکیت بر گامت

از نگاه برخی، گامت اساساً مال به حساب نمی‌آید و بحث تملک فرد بر آن منتفی است (۸). این گروه ارزش‌گذاری اقتصادی بر بدن انسان را مغایر کرامت ذاتی انسان و موجب از میان رفتن جایگاه اخلاقی جسم انسان می‌دانند (۲۰۸). همچنین برخی از حقوق‌دانان معتقدند: «اخلاق حسنه در هر قوم، ترکیبی از رسوم اجتماعی و تعالیم مذهبی و داوری‌های عقلی است که وجدان عمومی را تشکیل می‌دهد» (۱۲).

بررسی اجمالی نهاد باروری پس از مرگ، به وضوح مغایرت‌ناداشتن آن را با اخلاق حسنه نشان می‌دهد. هیچ‌یک از ضوابط و معیارهای اخلاق حسنه در این نهاد مخدوش نگردیده است؛ لذا مانعی چون اخلاق حسنه در مسیر تجویز این نهاد نمی‌تواند قرار بگیرد.

برای فهم کامل این مسأله واکاوی زوایای موضوع رضایت، لازم به نظر می‌رسد. مهم‌ترین فاکتور در ارتباط با کودکان تولدیافته ناشی از باروری کمکی این است که کسی که گامت خود را در اختیار می‌گذارد، باید رضایت خود را به شکل کتبی نسبت به این قضیه اعلام دارد. چنین رضایتی نسبت به مفهوم باروری پس از مرگ باید از طریق شواهد و

انسان و رعایت حقوق و منافع کودک است. بر این مبنا، باید منافع کودک را همراه با رضایت صریح یا ضمنی متوفی به استفاده از گامت پس از فوت خود، در نظر گرفت.

حاصل تلاش پژوهشگران ایرانی در این حوزه به صورت مقاله و کتب تدوین و عرضه شده است؛ به عنوان نمونه موضوع انتقال اسپرم در حقوق ایران و فقه امامیه و همچنین روش‌های نوین تولید مثل از دیدگاه فقه و حقوق، اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری و رحم جایگزین از جمله‌ی این پژوهش‌هاست. سیدحسین صفایی، حسن فدایی و امین امیرحسینی در مقاله‌ی «واکاوی مشروعیت باروری پس از مرگ در فقه امامیه و فقه اهل سنت»، به تبیین ادله‌ی فقهی مشروعیت باروری پس از مرگ عنایت داشته‌اند (۱۶). در این رابطه باید به پژوهش‌هایی نظیر اهدای ترکیبی گامت و رحم اجاره‌ای و حقوق والد فرزندی اثر لایلا علیزاده، سید طه مرقاتی و محمد عمانی سامانی به تبیین رابطه‌ی والدین و فرزندان و نیز اصل مشروعیت اعطای جنین و اهدای گامت پرداخته و نیز موضوع رحم اجاره‌ای را نیز مد نظر قرار داده است (۱۷). در اثری دیگر نیز با عنوان «بررسی رحم جایگزین؛ مطالعه‌ی تطبیقی در فرانسه، انگلیس، ایران و یونان» الهه محسنی به تبیین اساس مشروعیت و تبعات این موضوع، در نظام‌های حقوقی مزبور پرداخته است (۱۸).

این مطالعه می‌کوشد تا ادله‌ی جواز و عدم جواز تولید کودک از رحم به شیوه‌ی تلقیح پس از مرگ زوجین را در فقه و حقوق و همچنین با تکیه بر آموزه‌های اخلاقی باروری پس از مرگ و تعیین سرنوشت کودک حاصل از این روش درمانی را بررسی کند. بدان‌سان که مشروعیت باروری پس از فوت برای کودک اهلیت استیفا از حقوق شخصیه نظیر ارث را می‌تواند تلقی به قبول کرد؟ در این پژوهش سعی داریم با یک مطالعه‌ی تطبیقی وسیع در حقوق ایران، مبانی و شیوه‌های اثبات جواز این موضوع را دریابیم. با این هدف، باید ابتدا به بیان مفهوم تکلیف پردازیم. تکلیف یعنی تعهدسپاری و

امارات دیگر به وضوح اثبات شدنی باشد.

از منظر رویکرد اخلاقی، در صورت نبود رضایت، اولاد ناشی از باروری پس از مرگ باید از حق ارث نسبت به متوفی محروم گردد؛ زیرا باعث ضرر به ورثه خواهد بود. در واقع اینکه فردی بدون رضایت متوفی و ورثه‌ی او، داخل در ورثه گردد، خلاف اخلاق حسنه است. مقتضای قاعده‌ی فقهی نفی ضرر نیز مؤید همین مهم است؛ لذا رضایت صریح قبلی شخص برای توجیه اخلاقی باروری اسپرم پس از مرگ ضروری است. این بدان معناست که رضایت کتبی یا شفاهی که توسط مسئول بهداشت و سلامت ثبت می‌شود، شرط قطعی نیست؛ گرچه چنین ثبوتی مطلوب است.

برخی صاحب‌نظران در مواقعی که رضایت به نحو صریح اعلام نشده یا متوفی قبل از اعلام رضایت خود، به استفاده یا عدم استفاده از گامت به نحو صریح اشاره نکرده، اعلام‌نشدن خلاف را دال بر وجود رضایت ضمنی دانسته‌اند؛ زیرا در واقع صرف انجماد گامت را می‌توان حاکی از رضایت ضمنی متوفی مبنی بر تحقق تولید مثل دانست که این رضایت را می‌توان به بعد از فوت نیز تسری داد؛ چراکه دلیلی بر زوال رضایت وجود ندارد (۲۱ و ۲۲). قاعده‌ی «الاذن بالشیء اذن فی لوازمه»^۱ نیز به نوعی می‌تواند موجه این نظریه باشد. بر همین اساس، به علت وجود رضایت کامل از سوی صاحب گامت، اخلاق مخدوش نمی‌شود.

بر همین اساس باید در حوزه‌ی اخلاق حسنه، مالکیت بر گامت را اخلاقی دانست؛ پس مغایرت با اخلاق حسنه از این حیث وجود ندارد. به علاوه آنکه اگر باروری زن با اسپرم مرد، پس از مرگ او صورت پذیرد، به لحاظ اخلاقی، رابطه‌ی مزبور نامشروع نبوده و نمی‌توان از این حیث، مانعی را در نظر داشت. این امر در حقوق ایران نیز محل بحث بوده و از

1. هرگاه شما اذن به امری صادر کنید، اذن درباره‌ی لوازم آن نیز صدق می‌کند؛ مثلاً اذن به حضور در مهمانی، اذن به ورود به منزل را هم شامل می‌شود؛ زیرا ورود به منزل، لازمه‌ی حضور در مهمانی است.

این حیث دارای ایراد نیست.

ب. وصیت

در اسلام فرد این اجازه را دارد تا برای یک سوم از دارایی‌هایش وصیت کند. نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان گامت یا جنین را جزء اموال به حساب آورد تا بتوان به تبع آن، وصیت درباره‌ی آن را صحیح دانست؟ اگر گامت را نیز به منزله‌ی یک عضو بدانیم، طبق قانون، برای استفاده از اعضا پس از مرگ مغزی، رضایت وراث لازم است؛ اما هیچ‌وقت نمی‌توان استفاده از گامت فرد را برای ایجاد فرزند، با اهدای عضو که جان یک بیمار را نجات می‌دهد و در همان نسل خلاصه می‌شود، مساوی قلمداد کرد. رضایت وراث در اهدای عضو می‌تواند اجازه‌ای برای پیوند عضو به یک بیمار باشد؛ ولی تولید مثل پس از مرگ برای ایجاد فرزند است و قرار نیست بیماری را شفا بخشد یا دردی را بکاهد (۲۳).

در فقه نیز ادعاهای مشابهی، بر پایه‌ی استنباط از آیات و روایات، به چشم می‌خورد. نظر مثبت به سلطه‌ی انسان بر جسم خویش با استناد به آیه‌ی شریفه‌ی «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم»^۲ و حدیث نبوی «الناس مسلطون علی أموالهم و أنفسهم»^۳ که مستند قاعده‌ی فقهی تسلیط است، استخراج شده است. بر این اساس، انسان می‌تواند در حدود اختیارات خود در زمان حیات، برای زمان بعد از فوت وصیت کند (۲۴). به دیگر سخن، همان‌گونه که انسان می‌تواند در زمان حیات در جسم خود تصرف نماید، می‌تواند درباره‌ی جسم خود پس از فوتش نیز وصیت کند (۲۵).

ج. حضانت

حق حضانت اصولاً حقی عاطفی است که هنگامی که زن و مردی از ادامه‌ی زندگی زناشویی و مشترک خود منصرف می‌شوند و کار به طلاق و جدایی می‌کشد، مادر تمایل ندارد

2. قرآن کریم، سوره‌ی احزاب، آیه‌ی 6.

3. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، ج 39، ح 201

اجتماعی، محیط گرم خانواده‌ای است که از پدر و مادر او تشکیل شده است.

در فقه امامیه، عده‌ای از فقها پدر و مادر را در دوران زوجیت از نظر حضانت بر طفل در یک ردیف قرار داده و آن را تکلیف مشترک زوجین تلقی کرده‌اند (۲۹)؛ ولی اعتقاد مشهور فقهای امامیه مبتنی بر حق تقدم یکی بر دیگری بر حسب سن طفل حتی در دوره‌ی ازدواج است. همین دیدگاه از سوی برخی از دکترین نظام‌های اروپایی نیز طرح شده است (۳۰-۳۲).

نتیجه‌گیری

متعاقب اعلام مشروعیت باروری پس از مرگ، آثاری همچون مالکیت بر گامت، نسب، ارث و مواردی از این دست نیز به رسمیت شناخته شده؛ لذا این موضوع مستحده، مفتقر و محتاج به یک سازوکار حقوقی مدون است. در نهایت اینکه، به نظر می‌رسد برای تدوین قانونی در خصوص این موضوع و نیز، به منظور شکل‌گیری آرای قضایی متناسب با مشکلات جامعه، ابتدا لازم باشد این مسأله میان دانشمندان حوزه‌ی اخلاق، حقوق و فقه و نیز نظریه‌پردازان علوم انسانی به نقد و بررسی گذاشته شود و ابعاد مختلف آن در قانون توجه قرار گیرد. در ادامه، بر اساس نظراتی که از تبادل و تضارب آرای نظری و عملی حاصل شده‌اند، قوانین موجود در خصوص نسب یا ارث و همانند این‌ها اصلاح شوند و در برخی حوزه‌ها نیز قوانین جدیدی به تصویب برسند؛ قوانینی که قادر به تنظیم روابط و مسائل ناشی از باروری پس از مرگ باشند.

در باب مالکیت بر گامت، در صورتی که ابراز رضایت به نحو صریح اعلام گردد، باید آن را مؤید و تأمین‌کننده‌ی اخلاق دانست و در صورتی که رضایت به نحو صریح ابراز نگردد، باید انجماد گامت را به صورت ضمنی، دال بر رضایت فرد بر امکان و صحت بارور پس از مرگ دانست.

در باب وصیت نیز وفق ادله‌ی فقهی و حقوقی، وصیت را

از فرزند یا فرزندان صغیر و خردسال خود جدا شود. این مسأله ممکن است در قضیه‌ی اطفال ناشی از باروری پس از مرگ نیز صادق باشد و زن پذیرای جنین آزمایشگاهی و غیره پس از وضع حمل همین احساس را داشته باشد، که از نظر عواطف بشری نیز شایسته‌ی تأمل است. کلمه‌ی حضانت در لغت به معنای نگاهداری از کودک و در کنار گرفتن او، دایگی برای کودک، پرورش او پرستاری کردن از اوست. قانون مدنی کلمه‌ی حضانت را تعریف نکرده است؛ ولی بعضی از فقهای امامیه در تعریف آن گفته‌اند: «حضانت عبارت است از ولایت و سلطنت بر تربیت طفل و متعلقات آن از قبیل نگاهداری کودک، گذاردن او در بستر، سرمه‌کشیدن، پاکیزه‌کردن، شستن جامه‌های او و مانند آن.» این تعریف نیز در فقه آمده است: «حضانت ولایتی است بر کودک که فایده‌ی آن تربیت کردن و پرورش دادن کودک است و انجام آنچه به مصلحت اوست از نگاهداری کردن، در گهواره خواباندن، پاکیزه‌نمودن و مانند این‌ها» (۲۶). از این تعاریف معلوم می‌شود که نگاهداری و تربیت طفل را در فقه امامیه حضانت گویند.

از نظر حقوقی می‌توان گفت: «حضانت، نگاه‌داشتن طفل، مواظبت و مراقبت از او و تنظیم روابط او با خارج است، با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک طفل شناخته شده است.» گرچه از تعاریف بالا بر می‌آید که حضانت بیشتر ناظر به حمایت جسمی کودک است ولی با عنایت به اینکه بعضی از فقهای امامیه معتقدند مادری که عهده‌دار حضانت است نمی‌تواند طفل را از شهر به روستا ببرد، زیرا تعلیم و تربیت کودک در شهر بهتر از روستا تأمین می‌گردد (۲۷ و ۲۸)، نتیجه می‌گیریم که قانونگذار در تنظیم قواعد مربوط به حضانت، علاوه بر حمایت جسمی به حمایت روحی و اخلاقی طفل نیز نظر داشته و سعی کرده است با عنایت به روابط عاطفی ابوی و اولاد، در جهت رشد شخصیت کودک نیز حرکت کند. همچنین طفل نیازمند حمایت و کمک دیگران است و بهترین قانون برای مصون‌ماندن کودک از مخاطرات

باید از نوع تملیکی دانست و به علت وجود مالیت گامت و عدم ممانعت اخلاقی در راستای وصیت بر گامت، همچنین احراز اعلام رضایت از سوی متوفی (صاحب گامت) باید وصیت نسبت به گامت را از سوی مالک گامت از حیث اخلاقی صحیح دانسته و وصیت مزبور را از جنبه‌ی حقوقی و فقهی، نافذ محسوب دانست.

از حیث حضانت نیز باید بر اساس دو عنصر حمایت از کودک و همبستگی خانوادگی، اعطای حضانت به مادر پذیرای گامت را دارای حق و تکلیف بر حضانت دانسته و بر همین اساس، حکم به حضانت مادر مزبور نمود که این امر از سوی اخلاق حسنه و رعایت غبطه‌ی طفل، اقوی است.

منابع

- 1- Williams J R. Medical Ethics Manual. New Yourk: Johnson & Johnson; 2005. p.39.
- 2- Duguet AM. Ethical considerations in transition. International Journal of Adolescent Medicine and Health. 2010; 22(4): 453-62.
- 3- Dabbagh S. In Defense of Four Principles Approach in Medical Ethics. Iranian Journal of Public Health. 2008; 37(1): 31-8.
- 4- Strech D. Evidence-Based ethics-what it should be and what it shouldn't. BMC Medical Ethics. 2008; 9(16): 43-52.
- 5- Cook RJ, Dickens BM. Considerations for formulating Reproductive health laws. New Yourk: WHO; 2000.
- 6- Mason McQuoid D. An introduction to aspects of health law: Bioethical human rights and the law. South African Journal of Bioethics and Law. 2008; 1(1): 14-23.
- 7- Beauchamp TL, Childress JF. Principles of Biomedical Ethics. 5th edition. Oxford: Oxford University Press; 2001.
- 8- Browne CL. Graveside birthday parties: The legal consequences of forming families posthumously. Case Est Reserve Law Rev. 2010; 10: 194-219.
- 9- Federation International of Gynecology Obstetrics. Ethical issues in obstetrics and gynecology by the FIGO committee for the study of ethical aspects of Human Reproduction and Women Health. 2009. <https://www.figo.org/sites/default/files/uploads/wg-publications/ethics/English%20Ethical%20Issues%20in%20Obstetrics%20and%20Gynecology.pdf> (accessed on: 2018).
- 10- Goodwin M. Formalism and the legal status of body parts. Univ Chic Leg Forum. 2006; 1(12): 1-26.
- 11- Sobhani H, Hosseini A, Roshan A. A new approach in the motherhood of women in legal system of Islam, A look at the Iranian legal system. Journal of Women and Family Studies. 2015; 4(1): 19-28.
- 12- Al-Snahouri ARH. Al-Waa Sayyat fi Description of Al-Qanoun Al-Madani Al-Jawid. Beirut: Al-Khalebi al-Hukouqiyah's Pamphlets; 2000. p. 41.
- 13- Sadeghi Moghaddam MH, Hosseini A. Alimony and Needs Therapy of Wife. Tehran: University of Tehran; 2014 .p. 103. [in Persian]
- 14- Safaei H, Fadaei H, Amir Hosseini A. Examination of the impossible imprisonment after death in Judaism with the approach to the proposals of Sunni Jurisprudents. Journal of Equal Law. 2014; 4(1): 309-19. [in Persian]
- 15- Alizadeh L, Morghati T, Omani S. Combined donation of gamete and uterinerRental and parent-child rights. Journal of Medical History and Ethics. 2009; 3(1,2): 28-36.
- 16- Mohseni, E. Investigation of alternative uterus in comparative law, with emphasis on french law, Iran, UK, Greece. Journal of Medical Law. 2018; 13(48): 48-56.
- 17- Tabatabai A. Riyadh Al-Masa'il Fi Rāq al-Hakam Bildlael. Q 14. Qom: Al-Bait Institute; 1418.
- 18- Jeebe al-Amli, Zayn al-Din. Al-Razda Al-Behayyyah Faye Al-Lama'a Al-Dashqiyah. Beitruite: Makdeb al-'Ala'lami; 2001. p.79.
- 19- Javadi Amoli A. Rights in Islam. Q 2. QOM: Publication of the Islamic Associations of Revelations; 2011.
- 20- Katouzian N. Basic Civil Law Course, General Rules of Contracts. Tehran: Public Joint Stock Company; 1998. [in Persian]
- 21- Jones HW Jr, Cooke I, Kempers R, Brinsden P, Saunders D. International Federation of Fertility Societies Surveillance 2010: Preface. Fertil Steril. 2011; 95(2): 11-24.
- 22- Simpson B. Making "bad" deaths "good the kinship consequences of posthumous conception. J R Anthropological Inst. 2001; 7(1): 38-44.
- 23- Singh R. Ethics for Medical Educators: An Overview and Fallacies. Indian Journal of Psychological Medicine. 2010; 32(2): 83-6.
- 24- Aqabaabi I. Transplantation of Dead Patients and Brain Death (Jurisprudential Review). Qom: Islamic Center of Science and Culture; 2007.
- 25- Mu'min M., A Saying About Inoculation, Translation of Musa Knowledge. Qom: Ahlul Bayt Law; 2005. p. 98. [in Persain]
- 26- Tus MH. Al-Mubsouth. Tehran: Al-Mektah al-Mursadiyev, 1995. p. 132. [in Persain]
- 27- Heli I. Al-Seraer al-Hawi, Lahtiqr al-Fatwi. Qom: Nurs-Salami Institute; 2007. p. 549, 549. [in Persain]

- 28- Emami H. Civil Rights. Tehran: The Book of Islamiyah; 1996. [in Persain]
- 29- Abbasi M. Principles of fairness in administrative courts and medical officers. Medical Journal Quarterly. 2009; 9(3): 9-22.
- 30- Jones J, Hunter D. Consensus methods for medical and health services research. Biomedical Journal. 1995; 5(311): 376-80
- 31- Lavielle P. Ethical behaviors in clinical practice among Mexican health care workers. Nursing Ethics. 2008; 15(6): 729-44.
- 32- White GB. Commentary: Legal and ethical aspects of sperm retrieval. J Law Med Ethics. 1999; 27(4): 359-66.

Jurisprudential and Ethical Analysis of the Effects of Post-Mortem Fertility

Ehsan aliakbari babookani^{*1}, Amin amirhoseiny²

¹Assistant Professor of Jurisprudence and Law at Ahl al-Bayt School of Theology, Isfahan University, Isfahan, Iran.

²PhD Student of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Abstract

One of the issues that today is considered in the moral system and jurisprudence of Imamiyah is the issue of fertility, it has considered the issue of postnatal fertility, which, if it can be considered legitimate, will have many effects. This is considered the subject of dispute between jurists and ethics scholars. In this regard, by examining the existing evidence and considering the ethical approach to the subject, this subject can be considered legitimate and, therefore, this study will examine its effects. However, the aspects of this method have not ambiguity in terms of medical sciences, but from a moral and jurisprudential point of view, there are complexities and ambiguities that require adequate accountability according to the current requirements of human societies. Therefore, this subject is considered to be a useful category as well. Naturally, since science is responsible for maintaining public order and organizing private relationships, scientific processing seems to be necessary. In this research, the concept of good legal and legal jurisprudence approach to post-death reproductive effects such as ownership of gametes based on the element of consent (explicit or implicit), custody (based on family solidarity and child abuse) and will (declaration of consent and the will of the gamet frozen by the gamet player) will be dealt with.

Keywords: Ethics, Post-mortem fertility, Custody, Satisfaction, Ownership of gametes

* Corresponding Author: e.aliakbari@ahl.ui.ac.ir